



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۲۷	تاریخ	۱۴۰۴ / ۱۱ / ۱۴
عنوان ۱	مواقیت الصلاة					
عنوان ۲	وقت نمازهای مغرب و عشاء					
عنوان ۳	بررسی فقهی امتداد وقت نماز مغرب و عشا برای مختار و مضطر					
عنوان ۴	بررسی روایات معارض با امتداد وقت برای نائم و ناسی					
عنوان ۵	نقد و بررسی استدلال به روایات معارض ➤ الف. نقد روایت اول (مرفوعه ابن مسکان) ➤ ب. نقد روایت دوم (روایت کلینی)					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه به بررسی انتهای وقت نماز مغرب و عشا برای «مضطر» با تمرکز بر «نائم و ناسی» اختصاص دارد. پس از طرح دیدگاه مختار مبنی بر امتداد وقت این دو گروه تا طلوع فجر، دو روایت معارض که ظاهر آنها بر انتهای وقت در «منتصف اللیل» و لزوم قضا یا تحمل عقوبت دلالت دارد، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

در پاسخ به این معارضات، استدلال مخالفان از دو منظر سندی و دلالتی رد شده است:

از حیث دلالت، واژه «قضا» در روایات به معنای لغوی (انجام فعل) تفسیر شده و نه اصطلاح فقهی متأخر؛ همچنین اوامر به استغفار یا روزه داری، بر فوت فضیلت و ارتکاب مکروه حمل گردیده است؛ چراکه نائم مشمول قاعده «رفع القلم» بوده و تارک واجب محسوب نمی شود.

از حیث سند نیز روایات مورد استناد به دلیل «ارسال» و «رفع»، ضعیف و فاقد حجیت شناخته شدند.

در نهایت، با رد مستندات معارض، نظریه امتداد وقت نماز مغرب و عشا برای نائم و ناسی تا طلوع فجر تثبیت گردیده است.

ضمن عرض تبریک به مناسبت دهه مبارکه فجر از یک سو، و میلاد مسعود حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی دیگر، و با آرزوی صحت و سلامتی برای مقام معظم رهبری، پیروزی ملت بزرگ ایران و جبهه مقاومت، و نابودی ترامپ و نتانیاهو و جیش و اتباع و انصار آنها؛ امیدواریم که خداوند متعال، عیدی اهل ایمان را در این ایام، پیروزی چشمگیر، کامل و نهایی جبهه اسلام بر جبهه کفر و نفاق قرار دهد و در ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف تعجیل بفرماید.

درآمد بحث

موضوع بحث ما پیرامون وقت نماز مغرب و عشا برای افراد مضطر بود و بررسی می کردیم که آیا این وقت تا طلوع فجر ادامه دارد یا خیر؟

به عبارت دیگر، بحث ما در نهایت وقت نماز مغرب و عشا بود و بیان شد که نهایت وقت نماز مغرب و عشا، «منتصف الليل» (نیمه شب) است؛ اما آیا برای مضطر، وقت دیگری تا طلوع فجر در شرع در نظر گرفته شده است یا نه؟ و اگر پاسخ مثبت است، آیا این حکم برای مطلق مضطر است یا برای مضطر خاص؟

این بحث به نتیجه رسید و به اینجا دست یافتیم که وقت برای «نائم و ناسی» (خواب مانده و فراموش کار) تا طلوع فجر ادامه دارد؛ یعنی حکم امتداد وقت، مختص به مضطر است، اما نه هر مضطری، بلکه مضطری که به سبب نوم و نسیان، نمازش به تأخیر افتاده باشد. برای این افراد، وقت نماز تا طلوع فجر ادامه دارد؛ با این نکته که پیش از طلوع فجر به اندازه ادای نماز عشا، وقت مختص نماز عشا است و اگر تا آن زمان، نماز مغرب را نخوانده باشد، باید آن را پس از طلوع فجر قضا کند.

بررسی روایات معارض با امتداد وقت برای نائم و ناسی

در اینجا دو مطلب به عنوان مکمل این بحث مطرح می شود:

روایاتی را برای اثبات امتداد وقت نماز مغرب و عشا «لِلنَّائِمِ وَ النَّاسِي إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ» مطرح و بررسی کردیم؛ اما ممکن است گفته شود که این روایات با روایات دیگری تعارض دارند و با وجود معارض، نمی توان به آنها عمل کرد. ادعا شده است که دو روایت معارض با روایات دال بر امتداد وقت مغرب و عشا برای نائم و ناسی تا طلوع فجر وجود دارد:

روایت اول: روایت مرحوم شیخ، یاسناده عن محمد بن علی بن محبوب عن العباس عن عبدالله بن المغيرة عن ابن مسكان رفعه إلى أبي عبدالله عليه السلام قال:

«مَنْ نَامَ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ الْعَتَمَةَ فَلَمْ يَسْتَقِظْ حَتَّى يَمْضِيَ نِصْفُ اللَّيْلِ فَلْيَقْضِ صَلَاتَهُ وَ لَيْسَتْغْفِرَ اللَّهَ»^۱.

استدلال چنین است که عبارت: «فَلْيَقْضِ صَلَاتَهُ» بدین معناست که وقت نماز تا منتصف الليل به پایان رسیده است؛ یعنی وقت ادای آن تمام شده، پس وقت بعد از نیمه شب برای نائم تا طلوع فجر ادامه ندارد. آن گاه می فرماید: «وَلَيْسَتْغْفِرَ اللَّهَ» و امر به استغفار نیز شاهد دیگری است بر اینکه این تأخیر تا بعد از منتصف الليل، مطلوب شارع نیست؛ وگرنه اگر وقت ادامه داشت، جایی برای استغفار نبود.

این روایت با روایتی که دلالت بر ادامه وقت برای مضطر نومی تا طلوع فجر دارد، معارض است.

روایت دوم: روایت کلینی: عن علی بن ابراهیم عن أبيه عن عبدالله بن المغيرة عن عَمَّن حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

«فِي رَجُلٍ نَامَ عَنِ الْعَتَمَةِ فَلَمْ يَقُمْ إِلَى انْتِصَافِ اللَّيْلِ، قَالَ: يُصَلِّيْهَا وَ يُصْبِحُ صَائِمًا»^۲.

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب الصلاة، ابواب المواقیف، ب ۱۷، ح ۵.

۲. همان؛ ب ۲۹، ح ۸.

در این روایت، نامی از «قضا» نیامده است؛ اما عبارت: «يُصْبِحُ صَائِماً» دلالت بر عقوبت برای کسی دارد که نماز عشايش تا بعد از نیمه شب فوت شده است؛ زیرا می فرماید روز بعد را روزه بگیرد. به عبارت دیگر، جعل عقوبت برای تأخیر از منتصف الليل در حق کسی که خوابیده است، دلالت می کند که وقتش تا طلوع فجر ادامه نداشته است؛ وگرنه وجهی برای این عقوبت نبود. بدین ترتیب، این روایت هم با روایات امتداد وقت «لِلنَّائِمِ وَالتَّاسِي إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ»، تعارض دارد.

نقد و بررسی استدلال به روایات معارض

استدلال به این دو روایت صحیح نیست؛ زیرا هم اشکال دلالتی در آنها وجود دارد و هم اشکال سندی.

الف. نقد روایت اول (مرفوعه ابن مسکان)

در مورد اشکال دلالتی روایت اول، در استدلال به این روایت گفته شد که از عبارت: «فَلْيَقِضْ صَلَاتَهُ» استفاده می شود تا ثابت گردد که بعد از منتصف الليل برای نائم هم وقت به پایان می رسد و باید نمازش را قضا کند.

شیخنا الاستاد وحید رحمته الله، اشکالی گرفته اند که ما نیز آن را می پذیریم و متین است. ایشان می فرمایند که معلوم نیست عبارت: «فَلْيَقِضْ صَلَاتَهُ» دلالت بر قضا به معنای مصطلح ما داشته باشد؛ زیرا اگر ما به صلاة فوت شده، «قضا» و به صلاة در وقت، «ادا» می گوئیم، این یک اصطلاح متأخر و فقهی است که فقهای ما رواج داده اند؛ وگرنه روایات ما نماز قضا را با عبارت «فوات» و ادا را با «عدم فوات» یاد می کنند و واژه «يَقْضِي» در زبان عربی به معنای «ادا» است؛ مانند قضای دین که به معنای ادای آن به کار می رود، نه قضا در مقابل ادای اصطلاحی.

بنابراین، ظهور این روایت در قضا به معنای «بَعْدَ الْوَقْتِ» و فوت صلاة «فِي الْوَقْتِ» و لزوم اداء «بَعْدَ الْوَقْتِ» به عنوان قضا، استفاده نمی شود و محرز نیست که واژه «قضا» در زمان صدور روایت و عصور اولیه، به معنای امروزی آن به کار می رفته است.

عبارت: «فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ» هم الزاماً به معنای انجام گناه نیست؛ بلکه ممکن است اشاره به مکروهی باشد؛ زیرا همین که فعلی راجح از او فوت شده در حالیکه جا داشت نماز عشا را در اول شب می خواند، مستحبی از او فوت شده یا مکروهی از او سر زده است؛ چنان که در روایت خواندیم که درباره کسی که نیمه شب بر او بگذرد و نماز عشا را به جا نیاورده باشد، گفته شده: «فَلَا رَقَدَتْ عَيْنَاهُ»^۱. این نشان می دهد که تأخیر نماز تا زمانی که ولو احتمالاً فوت شود، کراهت دارد. پس در موارد ارتکاب مکروه و ترک مستحب هم جای استحباب استغفار هست و دستور به استغفار نمی تواند دلالت کند که وقت «عِنْدَ مُنْتَصَفِ اللَّيْلِ» تمام شده و شخص هم نمازش را خارج از وقت خوانده است.

اشکال سند این روایت هم این است که «مرفوعه» است و ابن مسکان روشن نساخته که روایت را از چه کسی نقل کرده؛ بلکه به عبارت «وَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» بسنده شده که نشان می دهد واسطه ای هم وجود داشته که ابن مسکان از او نام نبرده است.

بنابراین، روایت ابن مسکان هم دچار اختلال سندی است و هم اختلال دلالتی؛ و لذا قابل استدلال نیست و نمی تواند با روایت صحیحی که قبلاً بحث کردیم و بر امتداد وقت نائم و ناسی تا طلوع فجر دلالت داشت، معارض باشد.

ب. نقد روایت دوم (روایت کلینی)

درباره روایت دوم نیز باید گفت که عبارت: «يُصَلِّيَهَا» ظهور در این دارد که خود نماز عشا را به جا می آورد و بر فرض که چنین استظهاری نشود نیز، عبارت: «يُصْبِحُ صَائِماً» دلالت بر این ندارد که حتماً نمازش به معنای مصطلح آن قضا شده و تا وقتی که زمان داشته، آن را به جا نیاورده است. پس عبارت: «يُصْبِحُ صَائِماً» اگر ظهور در عقوبت هم داشته باشد، این عقوبت به تناسب، در ترک مستحب یا ارتکاب مکروه نیز جا دارد؛ یعنی خداوند برای این که مؤمن به انجام مکروه و ترک مستحب عادت نکند، ممکن است عقوبت هایی را توصیه کرده باشد یا کارهایی را پیشنهاد داده باشد که فوت آن مستحب را جبران کند، اما بدین معنا نیست که حتماً وقت صلاة نائم، به منتصف الليل محدود است.

پرسشگر: در نماز صبح هم چنین عقوبتی دیده می شود.

استاد: البته در نماز صبح چون نماز واجب است، جای عقوبت داریم ولو نائماً از او قضا شده باشد. سخن در این است که اگر در صورت خواب، وقتش محدود به منتصف الليل باشد، نکته دیگری است؛ ولی مراد، نوم از صلاتی است که عقوبت به معنای ترک واجب ندارد؛ چراکه «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ» و نائم از کسانی است که قلم تکلیف از او برداشته شده و تکلیفی ندارد، پس عقوبت در مورد او دلالت بر حرمت ارتکاب مُحَرَّم یا ترک واجب نمی کند. لذا نائمی که تا بعد از منتصف الليل می خوابد، تکلیفی نداشته و گناهی هم مرتکب نشده تا عقوبت در حق او، عقوبت فعلی گناه و ارتکاب معصیت یا ترک واجب باشد و دلالت کند که وقت نماز عشا برای نائم و ناسی تا طلوع فجر ادامه ندارد و در منتصف الليل به پایان می رسد.

به هر حال، این روایت از نظر دلالتی ساقط است؛ افزون بر این که سندش هم اختلال دارد؛ چراکه این روایت هم «مرسله» است و سند به صورت «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ» نقل شده است.

پس این روایت، هم دچار مشکل دلالتی است و هم دچار مشکل سندی و بدین ترتیب، این دو روایت قابلیت معارضه با روایات دالّه بر امتداد وقت نماز مغرب و عشا برای نائم و ناسی تا طلوع فجر را ندارند و نه داللتاً قابل استنادند و نه سنداً. با این بیان، باز هم نظر ما تحکیم می شود که گفتیم انتهای وقت نماز عشا برای نائم و ناسی تا طلوع فجر ادامه دارد و روایات معارضه ای هم در دست نیست تا بتواند با آن روایات معارضه کند. ان شاء الله این عید [نیمه شعبان] بر شما و همه مؤمنین مبارک باشد.

و صلی الله علی محمد و آل محمد